



مدیریت اسلامی و علوم بشری

پدیدآورنده (ها) : جوادی آملی، عبدالله؛ مصطفی پور، محمد رضا

فلسفه و کلام :: نشریه پاسدار اسلام :: مهر ۱۳۸۳ - شماره ۲۷۴

صفحات : از ۶ تا ۱۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1227002>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مدیریت اسلامی و علوم بشری
- مدیریت اسلامی و علوم بشری (قسمت دوم)
- مدیریت اسلامی و علوم بشری
- بررسی رابطه بین مدیریت استعداد و مدیریت سرمایه فکری با کیفیت زندگی کاری در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- تعیین سطح هوش سازمانی دانشجویان رشته مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- میزان تاثیر تماشای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی زبان بر سبک زندگی دانشجویان دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- ابزارهای مدیریت ارجاعات کتاب شناختی و کاربرد آن در محصولات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- ارتباط مدیریت دانش و مولفه های آن با ابعاد سازمان یادگیرنده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- در محضر عالمان؛ ضرورت برنامه ریزی و مدیریت صحیح برای اسلامی سازی علوم انسانی
- گزارش نشست علمی استادان مدیریت اسلامی دانشگاه ها در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در مقالات گذشته تحت عنوان مدیریت اسلامی، مدیر کارآمد به مباحث گوناگونی در این رابطه پرداخته شد و از هماهنگی مدیریت دین با مدیریت علمی سخن به میان آمد. نگاه عناصر محوری مدیریت در قرآن و چگونگی استنباط اصول مدیریت در منابع دینی مورد بررسی قرار گرفت و اکنون یکی از متون دینی که به مسائل مختلف مدیریت پرداخته است به اهل فکر و اندیشه معرفی می‌گردد.

■ منشور امام صادق (ع) به کارگزاران حکومت اسلامی

امام صادق علیه السلام همانند امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر در حدیث جامعی^(۱) منشور جاویدی برای همه حاکمان دینی در جمیع زمان‌ها و مکان‌ها باقی گذاشته است که از آن استفاده می‌شود. مشکل حکومت اسلامی فقدان قانون آزاد نیست، بلکه کمبود مجری آزاده است. زیرا قانون الهی از هرگونه جهل و غفلت و تبعیض آزاد است. «و الله يقول الحق»^(۲) هیچ نقص علمی در محدوده قانون خداوند راه ندارد. نظامی را که ذات اقدس الهی آفرید با این قانون هماهنگ است. خداوند نه انسان را بی تفاوت خلق کرد، نه جهان را؛ بلکه هم انسان را در ساختاری آفرید که جز حق نمی‌پذیرد؛ «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم»^(۳) «و نفس و ما سؤیها* فآلهما فجورها و تقویها* قد أفلح من زکیها* و قد خاب من دسیها»^(۴) هم نظام هستی را بر پایه حق آفرید؛ «ما خلقنا السموات و الأرض و ما بینهما الا بالحق»^(۵) «و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا»^(۶) پس اساس عالم و آدم بر حق است و اگر کسی بر خلاف آن عمل نماید، چه در مسایل شخصی یا جهانی، پایدار نمی‌ماند. هر قصری که بنا کند، پس از مدتی از پای در می‌آید. چون قصر کاذب دوام ندارد.

بنابر این هر مشکلی که در طول تاریخ برای حکومت‌های دینی پدید آمد، به سبب کمبود مجریان آزاده و حق محور بوده است. از این رو در قرآن کریم به همان اندازه که به قانون توجه کرده است به همان اندازه یا

مدیریت اسلامی و علوم بشری

آیه الله جواد علی

فکرش و تشویق
حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا مصطفی پور

بیشتر از مباحث اخلاقی سخن گفته است. همچنین بخش وسیعی از روایات اسلامی را افزون بر مباحث فقهی و حقوقی، بحث‌های اخلاقی در بر گرفته است. زیرا قانون هر چند حق و عدل باشد، اگر در دست مجری غیر عادل قرار بگیرد، سود بخش نخواهد بود.

البته حدیث امام صادق (ع) بیشتر ناظر به بخش‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی است، ولی عهدنامه مالک اشتر افزون بر تذکره اخلاقی، بخش نامه عملی را نیز به همراه دارد. زیرا علی (ع) خود حاکم و والی مسلمین بود، عهدنامه او به مالک جنبه بخش نامه‌ای نیز دارد.

گفتنی است، طرح و بررسی حدیث شریف امام صادق (ع) دو فایده مهم دارد:

۱- فایده علمی، زیرا ما را به شیوه حکومت اسلامی و شرایط مجریان و کارگزاران آن آشنا می‌کند.

۲- فایده دیگر مربوط به مبلغان دینی است. زیرا رسالت مهم هدایت مردم در پرتو سجایای اخلاقی و وارستگی مبلغان جامعه عمل می‌پوشد. از این رو، این حدیث شریف و مانند آن باید راهنمای عملی برای همه کارگزاران حکومت دینی و مبلغان دینی که رسالت بزرگ هدایت مردم را به عهده دارند، قرار گیرد.

«روی الشهد الثانی الشیخ زین الدین فی (رسالة الغیبة) باسناده عن الشیخ الطوسی عن المفید عن جعفر بن محمد بن قولویه عن ابيه عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابيه محمد بن عیسی الأشعری عن عبدالله بن سلیمان النوفلی قال: كنت عند جعفر بن محمد الصادق (ع)...

عبدالله بن سلیمان نوفلی می‌گوید: در محضر امام صادق (ع) نشسته بودم که خدمت گزار عبدالله نجاشی کارگزار حکومت بنی عباس در اهواز بر آن حضرت وارد شد، او پس از سلام نامه عبدالله را به امام صادق (ع) داد و امام (ع) نامه را گشود و خواند.

عبدالله نجاشی به امام ششم (ع) نوشت: به نام خداوند بخشنده مهربان... من به سمت ولایت اهواز مبتلا شدم. تقاضایم از آقا و مولایم این است که بخش نامه و

دستورالعملی را برایم مرقوم فرمایید که عمل به آن سبب تقرب من به خدا و رسولش گردد. همچنین وظیفه‌ام را درباره چگونگی پرداخت امور مالی (زکات) و مصرف آن مشخص کنید (وجوهاتم را به به چه کسی بپردازم)، رابطه اجتماعی‌ام را نیز بیان کنید که با چه کسانی ارتباط برقرار کنم و با چه گروهی رابطه نداشته باشم، سخن چه کسانی را قبول کنم و حرف چه گروهی را نپذیرم، با حکومت وقت چگونه رفتار کنم. با همکاران و ارباب رجوع چگونه رفتار و برخوردی داشته باشم، به چه کسی اطمینان کنم و اسرارم را با او در میان گذارم؟ امید است که خداوند مرا با هدایت شما که حجت خدا بر خلق و امین او در زمین هستید، رهایی بخشد. نعمت او بر شما مستدام باد.

امام صادق (ع) جواب نامه عبدالله را در حضور من مرقوم فرمود:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند ترا به صنع و قدرت خود حفظ کند و با منت خویش به تو لطف کند و در کف حمایت خود قرار دهد. بدرستی که او ولی این کار است. سپس امام (ع) نوشت:

نماینده شما نامه‌تان را به من رساند و آن را خواندم و از همه خواسته‌هایی که در آن بیان داشتی باخبر شدم. چنین دریافتم که ستمی را از حکومت عباسیان در اهواز پذیرفتی. از آن‌جا که تو از شیعیان ما هستی، از این خبر هم مسرور شدم، هم ناراحت.

سرور من از پذیرش سمت شما در دستگاه جور عباسی از این جهت است که امیدوارم خداوند به وسیله تو گرفتاران از آل محمد (ص) صلی الله علیه و آله و سلم یعنی شیعیان را پناه دهد و مشکلی از آنها را بگشاید. و به وسیله تو شیعیان خوار و ذلیل را عزیز کند، آنان که پوشاک ندارند، بیوشاند، ضعیفشان را تقویت کند و آنها که در معرض آتش مخالفت مخالفانند، به کمک تو این آتش را خاموش سازد.

و اما آنچه مرا از این خبر متأثر و ناراحت کرده و از آن ناخوشایندم آن که بیم آن دارم که یکی از شیعیان ما کار مشروعی داشته باشد و به تو مراجعه کند و تو عمداً موفق به انجام آن نشوی و شیعه ما را ناامید کرده و برنجانی که در این صورت بوی

بهشت به مشام تو نمی‌رسد.^(۸) و اما نسبت به درخواست‌هایی که بیان داشتی، به طور خلاصه به آن‌ها پاسخ می‌گویم و امیدوارم که اگر به این بخش نامه عمل کنی و از آن تجاوز ننمایی، ان شاء الله از خطرهایی که تو را تهدید می‌کند، سالم بمانی. و سعی می‌کنم درباره خواسته‌هایت خلاصانه سخن بگویم. چون من خود باید نخستین کسی باشم که به حدیث جدم عمل کنم، زیرا آن حضرت فرمود: اگر کسی با برادر مؤمنش درباره امری مشورت کند و او رأی ناب و خالص را به وی ارائه ندهد، خداوند عقل و خردش را از او می‌گیرد. همان‌گونه که اگر کسی مالش را به جا مصرف نکند و حقوق مالی خود را نپردازد، خداوند آن مال را از او می‌گیرد، احتکار علم و عقل و هوش و بجا مصرف نکردن آن مانند احتکار مال است. پس به آن عقلی که خدا به ما عطا فرمود، درباره مشورتی که به عمل آوردی، خلاصانه به کار می‌گیرم و آنچه حق است را به تو می‌گویم که اگر بدان عمل کنی، از آن‌چه هراسناکی رهایی می‌یابی.

رأی خالص من این است: بدان که راه رهایی تو از آن‌چه به سبب آن بیمناکی در رعایت امور ذیل است:

۱. باید از ریختن خون (بی‌گناهان) پرهیز کنی.
۲. از اذیت و آزار اولیای الهی خودداری کنی.
۳. با مردم مدارا کنی.
۴. از آنجا که کارگزار حکومت هستی، نه آن‌گونه نرم خو و نرم رفتار باش که در تو احساس ضعف کنند و نتوانی مسئولیت خود را به خوبی انجام دهی (ضعف مدیریت نداشته باشی)، نه چندان شدید و خشن باش که تو را به داشتن قساوت قلب متهم کنند. شدت باید بدون قساوت ولین (نرم خویی) بدون ضعف باشد.
۵. با صاحب خود (منصور دوانیقی) مدارا کن. بدان که او انسان خشن و قسی‌القلبی است. از این رو با فرستادگان او نیز مدارا کن چون اگر بخواهی به نام شیعه همواره انتقاد کنی، به زحمت می‌آفتی.
۶. بر پایه حق و عدل به رفق و فتق امور مردم بپرداز.
۷. هیچ‌گاه با سخن چین‌ها و نام‌ها رابطه برقرار مکن، آنان که اهل سعایت و سخن چین‌اند، خود را به تو نجسباند. نه تنها آنان را به حضور نپذیر، بلکه اگر نزد تو



اظهار ندامت کردند، توبه‌شان را هم قبول نکن مراد از «صرف و عدل» این است: حتی اگر بگویند ما فلان خدمت را به جای فلان سعایت انجام دادیم که معادل و کفاره آن است، پس آن خدمت را کفاره سعایت ما قرار ده، از آن‌ها نپذیر. این که در بحث‌های فقهی و حقوقی گفته می‌شود: خداوند صرف و عدلی دارد، مراد از صرف، توبه است که نشانه انصراف گناهکار از گناه است و منظور از عدل معادل و کفاره است، آیه شریفه «عدل ذلک صیاماً»^(۹) یعنی همتا و عدلش را بیاورد، کفاره‌اش را بدهد. طرد سخن چینان برای این است که آنها عناصر مرموز و غیر قابل شناختند. از این رو امام (ع) هرگونه ایجاد رابطه با آنان را نهی فرمود و آن را سبب غضب و انتقام الهی برشمرد و به عبدالله نجاشی فرمود: اگر آن‌ها را به حضور بپذیری، مورد غضب خدا قرار می‌گیری و خداوند پردهات می‌درد و اسرار را هویدا می‌کند. ۸ از مکر قبیله خوز اهواز بر حذر باش که پدرم از پدران خود از امیرالمؤمنین (ع) خیر داده است که ایمان هرگز در قلب یهودی و خوزی ثابت نمی‌ماند. - ظاهراً قبل از اسلام چنین بودند، اما به برکت اسلام و ولایت اهل بیت عصمت (ع) این مکر از آن قبیله برطرف شد. از این رو، بزرگانی چون شیخ انصاری و بسیاری از فحول علما در رشته‌های مختلف علمی از آن سرزمین برخاستند. این مطالب مربوط به اوصاف سلبی بود.

اما این که سؤال کردی با چه کسانی رفاقت کنم و رفت و آمد داشته باشم، به چه اشخاصی اطمینان کنم و اسرارم را با چه افرادی در میان گذارم؟

۱- راز داری و راز داران

فردی که با او مانوس شوی و از او احساس آرامش کنی و پناهگاهی برای امورت باشد؛ «تأنس به و تستریح الیه و تلجی أمورک الیه» باید فردی باشد که امتحان داده، مستبصر، امین و موافق تو در دینت باشد، چون کسی که خداوند قلبش را به تقوا امتحان کرده است، در ردیف اولیای الهی قرار دارد. هرچند او به منزله شمع است در برابر آفتاب، لیکن هر دو نورند. شمع وجود مؤمن امتحان داده، در ردیف

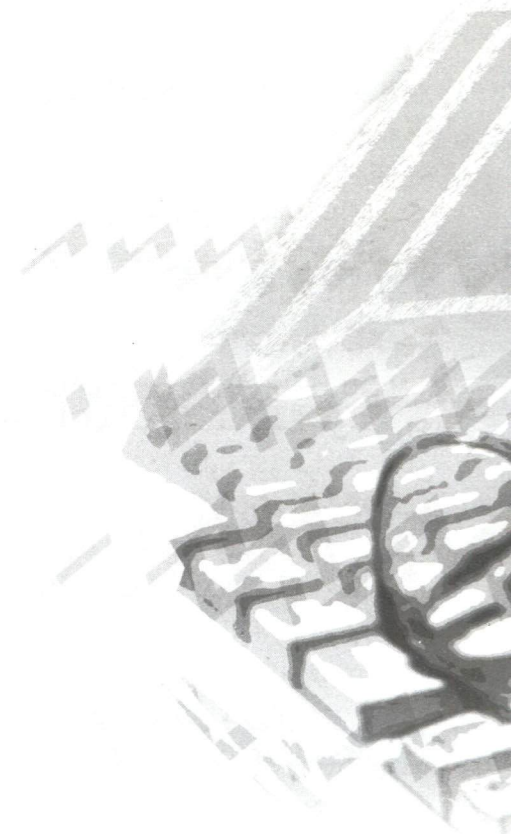
دریافتی که از جهت تقوا، قلب امتحان شده دارد و به لحاظ هوش و خردمندی مستبصر و از جهت رازداری امین و موافق با دین توست، چنین کسی شایستگی آن را دارد که با او رفاقت کنی و به او اطمینان داشته باشی و اسرار را با او در میان گذاری.

۲- امور مالی و دارایی

از آن‌جا که در دستگاه حکومت عباسی طنزازی، بذله‌گویی و مزاح و سراینده‌گی وجود دارد و تو باید مقداری از مال را ناگزیر در این‌گونه امور و جشن‌واره‌ها که مورد رضایت خدا نیست صرف کنی، پس برای جبران و کفاره آنها معادل آن را در امور الهی و اخلاقی که مورد رضایت خداست، هزینه کن. یعنی اگر درهمی یا جامه‌ای را به صورت خلعت به کسی می‌دهی یا به کسی ارفاق می‌کنی که بر مرکبی سوار شود و از جایی به جایی برود و به مقصد خود برسد به شاعری می‌دهی که مداحی کرده یا به مضحکی عطا می‌کنی که خندانده یا به طنزازی می‌دهی که مزاح کرده است، همانند آن بودجه را برای تعلیم اخلاق و احکام و قرآن و حکمت که مورد رضایت الهی است، هزینه کن، جایزه‌ها

شمس وجود انبیاء و اولیا قرار دارد. نور ضعیف مؤمن در حد سعه وجودی خود روشنایی بخش است. مراد از «مستبصر» کسی است که نگاه کند و نگاهش با بصیرت باشد. زیرا آن که خواب است توانایی دیدن را ندارد و آن که به حسب ظاهر بیدار است ولی نگاه نمی‌کند چیزی و جایی را نمی‌بیند و آن که نگاه می‌کند گاهی اهل نظر است، گاهی اهل بصر. چه بسا انسان به چیزی نگاه می‌کند ولی نمی‌بیند. مستبصر در کلام امام (ع) به معنای کسی است که دارای نگاه با بصیرت است. چون بعضی از انسان‌ها فقط اهل نظرند «و تراهم ینظرون الیک و هم لا یبصرون»^(۱۰) کسانی که پیامبر را صرفاً به عنوان فرد عرب (پسر عبدالله) از دودمان قریش می‌بینند، فقط خصوصیات شناسنامه‌ای تو را می‌دانند ولی به عنوان رسول الهی نمی‌بینند و نمی‌شناسند، اینان اهل نظرند، نه اهل بصر. به تو نظر می‌کنند، اما آگاهی و بصیرت به تو ندارند.

پس فرمود: آنچه به تو مربوط است عامیان آن را تمییز ده. مخالف و موافق را تجربه کن، پس اگر کسی را آزمودی و



دست آورد و در راه حلال صرف کند، از آن جهت که اجازه این کار را ندارد، صرف آن در راه حلال نیز گناه محسوب می‌شود.

از این بیان امام (ع) استفاده می‌شود که مشکل دستگاه‌های حکومت نداشتن قانون نیست، بلکه فقدان انسان‌های آزاده است. آری، اگر چنین افرادی یافت شوند، همگان راضی خواهند بود. پس آنچه گفتنی بود، بیان گردید. و لذا امام باقر (ع) به دو نفر از اصحابش می‌فرماید: به مشرق بروید یا مغرب، حرف همین است که ما می‌گوییم، «قال ابو جعفر (ع) لسلمة بن كهيل والحکم بن عتبه شرقا أو غربا لن تجدا علما صحیحاً الا شیئاً یخرج من عندنا اهل البيت (ع)»^(۱۱).

امام صادق (ع) این منشور را برای پرورش کارگزار متدین و متعهد مرقوم فرموده است. سعی کن از قدرت اجرایی خود سوء استفاده ننمایی و چیزی از طلا و نقره را اندوخته نکنی که اگر چنین کنی، مصداق این آیه شریفه می‌گردد: «الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبئس هم بعباد أئیم»^(۱۲) نه تنها مال حرام را جمع نکن، بلکه از انفاق مال حلال نیز هرچند به میزان سیر کردن شکم گرسنه‌ای باشد، غافل مباش و آن را کوچک شمار که این کار بزرگی است که با آن غضب الهی از تو دور می‌شود.

بدان من از پدرم شنیدم و او از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین (ع) نقل فرمود که او از پیامبر (ص) شنید که آن حضرت روزی به اصحابش فرمود: کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد به خدا و روز قیامت ایمان ندارد. چه همسایه گرسنه مسلمان باشد یا غیر مسلمان. اصحاب گفتند: هلاک شدیم. چون وضع مالی ما چندان مناسب نیست که بتوانیم مستمندان را دریابیم. رسول خدا (ص) فرمود: از زیادی غذا و پوشاک و... خود بهره جوئید و آتش غضب پروردگارتان را خاموش سازید. اگر دو لباس دارید، یکی را بدهید، کمتر غذا بخورید مقداری به فقرا اطعام کنید تا کسی گرسنه و برهنه نماند.

آنگاه نوشت: پستی و سستی دنیا را برایت تشریح می‌کنم که بدانی داشتن دنیا

شرف نیست که عده‌ای برای آن دورخیز برداشته‌اند یعنی این طور نیست کسی که وضع مالی‌اش خوب شود و از حد متوسط بگذرد، بر شرفش افزوده شده باشد، این معنا به طور تفصیل در کلام امیرالمؤمنین (ع) درباره تأسی به رسول خدا (ص) آمده است: «...فلینظر ناظر بعقله: أكرم الله محمداً (ص) بذلک أم أهانه!»^(۱۳).

گفتنی است: داشتن مال نقص نیست، برداشت مرفهانه نقص است و گر نه طمع و تلاش در تولید برای حل مشکلات اقتصادی جامعه عبادت است، تحقیر و اهانت مربوط به تلاش در مصرف است. زندگی مرفهانه با اهانت الهی همراه است. بنابراین رعایت پنج اصل اجتماعی و اخلاقی و ارزشی زیر برای همگان ضروری است: پس از آن امام صادق (ع) حدیث زهد امیرالمؤمنین (ع) در دنیا و طلاق دادن آن را یادآور شده است. تا آنجا که فرمود: من مکارم دنیا و آخرت را از زبان رسول خدا (ص) پیش روی تو قرار دادم (برایت بیان داشتم) بنابراین اگر به نصیحت‌هایم در این منشور عمل کنی، پس اگر بین خود و خدا گناهان شخصی داشته باشی که به وزن کوه‌ها و امواج دریاها باشد امید دارم که خداوند به قدرت خود از تو بگذرد.

ای عبدالله! مبدا مؤمنی را بترسانی زیرا پدرم از پدرش از جدش امیرالمؤمنین (ع) روایت فرمود: اگر کسی فردی را بی‌جا بترساند، رعب‌آور به او نگاه کند، خدای سبحان او را در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست، می‌ترساند و او را به صورت مور ضعیف و ظریفی محشور می‌کند. یعنی کسی که امروز متکبر باشد، در روز قیامت ذلیلانه محشور می‌شود.

آنگاه امام (ع) در این بخش از منشور به دستوراتی که صبغة اخلاقی و وظیفه تربیتی دارد، اشاره کرده و فرمود: پدرم از پدرانش از علی (ع) و آن حضرت از پیامبر (ص) روایت کرد که فرمود: هر کس مؤمن گرفتاری را پناه دهد، خداوند او را در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست، پناه می‌دهد و او را از روزی که دلهره بزرگ همه را فرا می‌گیرد، ایمن می‌کند و از بازگشت و سرانجام بد رهایی می‌بخشد و کسی که حاجت برادر مؤمن خود

و عطایا و خلعت‌هایت را به فرماندهان بسیج و لشکر بده که تلاش آنها برای حفظ دین است، به کسانی که در مسایل مربوط به حکومت پیک میان شما و مردمند، به آنان که در جبهه‌های جنگ بسر می‌برند، به آنان که از اصحاب اخماسند، بپرداز. امام (ع) فرمود: به آنان که در یکی از این گردان‌ها حضور دارند، جایزه بده. اصحاب الشروط و الاخماس یعنی سربازان حاضر در یکی از قسمت‌های پنج‌گانه میدان نبرد. شرط جمع شرطه به معنای سرباز است.

آنگاه امام (ع) شرایط این اموال را بیان فرمود: آنچه را از این اموال که اراده کردی در وجه بز و فتوت و صدقه و حج و... هزینه کنی، جوایز و عطایا و خلعت‌هایی که می‌بخشی، مصرف‌های شخصی و جامه‌ای که با آنها و در آنها نماز می‌خوانی و صله رحم می‌کنی و صدقه می‌دهی، پولی که با آن به سفر مکه می‌روی، صله و هدیه‌ای که به خدا و رسولش (ص) اهدا می‌کنی و... همه این‌ها باید از مال حلال و صد در صد خالص و پاکیزه باشد، وگرنه گناه آن مضاعف است. چون اگر انسان مالی را از راه حرام به

را برآورد، خداوند حاجت‌های فراوانی از او را برآورده می‌سازد که یکی از آنها بهشت است و کسی که برادر مؤمن عریانش را بپوشاند، خداوند او را از لباس‌های فاخر بهشتی می‌پوشاند و پیوسته در رضوان الهی است تا آن هنگام که بر لباسی که عریان را پوشانده، نخی باقی باشد و کسی که برادر مؤمن گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند او را از طعام‌های پاکیزه بهشت برخوردار می‌سازد و کسی که تشنه‌ای را سیراب سازد، خداوند او را از ریحی مختم بهشت می‌نوشاند و کسی که به برادرش خدمت کند، خداوند در بهشت خدمتگزار او را «ولدان مخلصین» قرار می‌دهد و او را در جوار اولیای طاهرینش سکونت می‌دهد و کسی که به اندازه یک قدم برادر مؤمنش را بر مرکبی سوار کند، خداوند او را بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی حمل می‌کند و فرشتگان مقرب الهی در روز قیامت به او مباحث می‌کنند و کسی که زنی را به همسری برادر مؤمنش درآورد که به او انس گیرد و سبب قوت بازوی او گردد و در



کنار او به آرامش برسد، خداوند حورالعین را به ازدواج او در می‌آورد و او را با کسی که دوستش دارد از صدیقین از اهل بیت پیامبرش (ص) مأنوس می‌کند و آنها را نیز با او مأنوس می‌سازد و کسی که برادر مؤمنش را در برابر سلطان ستمگری یاری رساند، خداوند او را در روزی که قدم‌ها هنگام عبور از صراط لرزانند، یاری می‌رساند و کسی که به زیارت برادرش برود البته نه به سبب نیازی که به او دارد، از زوار خدا نوشته شود و خداوند نیز زیر خود را گرمی می‌دارد.

گفتنی است: گاهی صرفاً کارمندی کار را به عنوان وظیفه اداری انجام می‌دهد یعنی در برابر مزدی که می‌گیرد، وی حلال بودن اجرت را منوط به انجام وظیفه می‌داند.

اما گاهی کارش را با صبغه عبادی و قصد تقرب به خدا انجام می‌دهد. یعنی چون خدا از این کار راضی است و اهل بیت (ع) به آن امر کرده‌اند، نیاز ارباب رجوع را برطرف کند. چنین انسانی که حل مشکل مردم با ایمان را فضیلت و مورد رضای خدا و اهل بیت (ع) و ادخال سرور در قلب مؤمن می‌داند افزون بر حلال بودن اجرتی که می‌گیرد، روح و ریحان بهشت را نیز برای خود تأمین می‌کند. مانند امور عبادی که شخصی به نیابت از دیگری انجام می‌دهد چون در امور مربوط به نیابت مثل حج نیابی یا نماز و روزه نیابی از هر ده ثواب ۹ ثوابش برای نائب است، یکی برای منوب عنه. بنابراین کارهایی که کارگزاران حکومت اسلامی انجام می‌دهند، اگر با قصد قربت همراه باشد و برای رضای خداوند و عمل به دستورات اهل بیت (ع) انجام پذیرد، رضایت مؤمن را رضایت خدا تلقی کنند، عبادت است.

پس از آن فرمود: پدرم از پدرانش (ع) از امیرالمؤمنین (ع) و آن حضرت از رسول خدا (ص) شنید که به اصحابش فرمود: مردم! کسی با زبانش ایمان آورد اما با قلبش ایمان نیاورد، مؤمن نیست. پس از لغزش‌های مؤمنان تجسس نکنید، لغزش‌های مؤمن را دنبال نکنید. چون کسی که لغزش مؤمنی را دنبال کند، خداوند لغزش‌های او را در قیامت دنبال می‌کند و در اندرون خانه‌اش او را رسوا می‌سازد.

پس از آن امام احادیثی را درباره مقام و ارزش مؤمن نزد خداوند، لزوم حفظ آبروی مؤمن، ادخال سرور در قلب مؤمن... از رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نقل فرمود و در پایان این منشور نوشت: تو را به تقوای الهی و ترجیح اطاعت خدا و چنگ زدن به ریسمان الهی سفارش می‌کنم. زیرا هر کسی که به ریسمان خداوند چنگ زند به صراط مستقیم هدایت می‌شود. پس از خدا پروا کن و کسی را بر رضا و میل الهی مقدم مدار که این وصیت و سفارش خدا به بندگانش است، خداوند غیر تقوا را از بندگان نمی‌پذیرد و جز آن را بزرگ نشموده است و بدان که مردمان به چیزی بزرگ‌تر از تقوا واگذار و سفارش نشده‌اند و این سفارش ما اهل بیت (ع) است. پس اگر می‌توانی چیزی از دنیا را برنگیری، تا فردا (ای قیامت) تو را زیر سؤال ببرد، پس چنین کن.

عبدالله بن سلیمان گفت: هنگامی که نامه امام صادق (ع) به دست نجاشی رسید، در آن نظر کرد و گفت: به خدایی که جز او خدایی نیست مولا و سرورم امام صادق (ع) راست گفت: کسی به متن این نامه عمل نکرد، مگر این که نجات یافت. و او نیز همواره در طول زندگی خود بدان عمل کرد.



پی‌نوشت‌ها:

۱. شیخ انصاری این حدیث را در کتاب مکاسب آورده است و شیخ حر عاملی آن را در وسائل الشیعه، جلد ۱۷، باب ۴۹ از ابواب ما یکسب به نقل کرده است. شهید ثانی حدیث را درباره تکلیف شیعه در عصر غیبت در «رسالة الغیبة» آورده است.
۲. سوره احزاب، آیه ۴.
۳. سوره روم، آیه ۳۰.
۴. سوره شمس، آیه ۷-۱۰.
۵. سوره احقاف، آیه ۳.
۶. سوره ص، آیه ۲۷.
۷. مراد از آل محمّد (ص) شیعیان هستند. چون پیامبر (ص) فرمود: «انا و علی ابوا هذه الامه» بحار، ج ۱۶، ص ۹۵؛ من و علی دو پدر این امت هستیم. یعنی اگر کسی مطیع و پیرو این خاندان باشد، فرزند معنوی و آل آن‌ها محسوب می‌شود.
۸. مراد از «حظیره» جایی است که پرچین شده یا با سنگ و دیوار محبوب گردیده است. گرچه در بهشت باز است. اما کسی بدون اذن خدا و اولیای الهی حق ورود به آن را ندارد. از این رو «حظیره القدس» نامیده شده است.
۹. سوره مائده، آیه ۹۵.
۱۰. سوره اعراف، آیه ۱۹۸.
۱۱. بحار، ج ۲، ص ۹۲، ح ۲۰.
۱۲. سوره توبه، آیه ۳۴.
۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.